

خودباوری وجه تمایز ماست

◇ امیرحسین فردی



هویت خود باختگی و خود باختگان، در عرصه اندیشه و در پهنه ساز و کارهای اجتماعی شکست و به جای آن، روحیه خود باوری و اعتماد به توانمندی‌های خود و خودی نشست. از آنجا که یکی از ویژگی‌های درخشان هر انقلاب راستین، اعتماد بخشیدن به فرزندان خود است، در ایران نیز چنین شد. طبیعی بود که رویکرد این نسل از نویسندگان و شاعران، به لحاظ مضمونی، رویکرد به فرهنگ خودی و نیازهای آن روز مخاطبان خود باشد. بدین ترتیب، فرهنگ ملی و مذهبی ما، از منظر نیازهای مخاطبان نسل انقلاب، دستمایه نویسندگان و شاعران قرار گرفت و به عقیده بنده، آتش فشانیه به وجود آمد، که حاصل آن صدها شعر و قصه، در سال‌های نخستین آغاز حیات فرهنگی متحول شده این ملت بود که بحث داوری در قوت و ضعف آن آثار امری دیگر است.

جا دارد در این مقال، به تلاش دو فرزانه گران قدر، در این زمینه اشاره کنم که سرانگشت اشارت آن اندیشمندان و بزرگان، تأثیر به سزایی در شکل گیری ادبیات کودکان و نوجوانان بعد از انقلاب داشت. یکی از آن دو فرزانه، شهید مرتضی مطهری بود که با کتاب «داستان راستان» خود، بر اهمیت ادبیات داستانی برای نسل نوجوان و جوان

از مؤلفه‌های عمده ادبیات کودکان و نوجوانان بعد از انقلاب، در رشته‌های داستان و شعر، به دو ویژگی بارز می‌توان اشاره کرد. این دو ویژگی، وجه تمایز و افتراق ادبیات کودکان و نوجوانان قبل و بعد از انقلاب است که این خود نیز متأثر از روح کلی انقلاب است. در واقع، این دو ویژگی عمده، نشان از حضور اندیشه غالب و یا بُن‌مایه اندیشه پیش برنده انقلاب، در پیکره ادبیات کودک و نوجوان این سرزمین دارد. یکی از آن ویژگی‌ها، خود باوری نویسنده و شاعر ایرانی ادبیات کودک و نوجوان و دیگری رویکرد به فرهنگ خودی است؛ فرهنگی که انقلاب را در دامن خود پروراند و آن را به آستانه بلوغ و باروری رساند.

فضای فرهنگی قبل از انقلاب ایران کم و بیش، متأثر از جمله معروف «ایرانی از ساختن یک لوله‌نگ هم عاجز است و باید سر تا پا فرنگی شویم» بود. این جمله را یکی از نخست وزیران رژیم شاه، در مجلس شورای ملی گفته بود. سیاست‌های بعدی نیز کما بیش، در این مسیر سیر می‌کرد و از جانب مراکز فرهنگی دستگاه حاکم اعمال می‌شد. با نفوذ اندیشه انقلاب در اذهان آحاد جامعه، از جمله کسانی که در خود استعداد نویسندگی و سراینده‌گری سراغ داشتند، هیمنه و

◇ یکی از آن ویژگی‌ها، خود باوری نویسنده و شاعر ایرانی ادبیات کودک و نوجوان و دیگری رویکرد به فرهنگ خودی است؛ فرهنگی که انقلاب را در دامن خود پروراند و آن را به آستانه بلوغ و باروری رساند.

است. در هر حال، با نگاهی اجمالی، به موقعیت و جایگاه کتاب، در زندگی مردم، می‌توان به این نتیجه رسید که این کالای فرهنگی، جایگاه مستحکم و استواری در زندگی مردم ما ندارد. این امر علت‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد. از جمله:

۱. عامل بی‌سوادی و کم‌سوادی
۲. سنت سست تاریخی مطالعه
۳. استفاده از شیوه‌های شنیداری و سینه به سینه در امر انتقال اطلاعات
۴. عدم وجود فضایی مناسب و متعادل، جهت تعامل فکری و فرهنگی سالم
۵. هجوم بی‌امان رسانه‌های تصویری، با قدرت شگرفت و دامنه گسترده

و...

مشکل و بحران عمده، بیش‌تر ناشی از دیدگاه جامعه، نسبت به کتاب است. البته در کنار آن، عوامل حاشیه‌ای دیگر هم مطرح است.

۳. این نظر می‌تواند تا حدی درست باشد. هر نویسنده و شاعری، همواره باید تلاش کند تا به مضامین تازه‌تری برسد و با نگاهی تازه، به طرح مضامین بپردازد. وقتی مجموعه نویسندگان و شاعران هر کشوری، برای رسیدن به چنین مقصودی گام برداشتند، فضای مطالعاتی و کتابخوانی نیز دستخوش نوگرایی و تحول می‌شود. به عقیده بنده، مقایسه مضامین و عناوین، در میان نویسندگان و شاعران دو کشور، با دو فرهنگ و پیشینه متفاوت، جغرافیا و مدنیت مختلف، به نظر مقایسه درستی نمی‌آید. مثلاً ممکن است کتابی که برای مخاطبان ایرانی، مضمونی تکراری و کهنه دارد، برای خوانندگان کشورهای

مهر تأیید زد و دیگری، معلم انقلاب دکتر شریعتی که با گفتار و آثار پراکنده خود در این زمینه، مشوق نویسندگان و شاعران نسل انقلاب شد. یادشان گرامی باد.

۲. ادبیات مکتوب و دارای شاخصه‌های هنری قابل قبول و قابل داوری و ارزشگذاری، در قالب کتاب شکل می‌گیرد. در واقع، کتاب تجلی مکتوب و ماندگار ادبیات کودکان و نوجوانان است که در عرصه عرضه و تقاضا، در جایگاه یک کالای فرهنگی، وارد بازار می‌شود. اقبال مردم، ارائه حیات و یا افول آن را تعیین می‌کند. در مقاطع ویژه تاریخی، هیجان‌ها و کنجکاو‌های ناشی از انقلاب و یا جریان‌های فکری تأثیر گذار در متن جامعه، اقبال مردم را نسبت به کتاب افزایش می‌دهد و آنها برای پاسخگویی به ذهن پرسشگر خود، بیش‌تر به کتاب رجوع می‌کنند. اما همین که آن تب فرو نشیند، جست و جو و پرسشگری‌ها رنگ باخته، کتاب نیز به طاق نسیان و قفسه‌های خاک گرفته و ویرین‌های مژگ سیرده و کنار گذاشته شده است. این که چرا چنین است، این گونه چرخش‌ها در عرصه تفکر و هنر بر اساس کدام تعریف جامعه شناختی، بدین نحو در می‌آید، بحث کارشناسانه دیگری است، اما می‌توان گفت که اقبال مردم مابه کتاب هیچ گاه، رویکردی پویا و مستمر نبوده است.

می‌توانیم بگوییم که کتاب، در همه شرایط اجتماعی و تاریخی، در تمامی مقاطع و جریان‌ها، نتوانسته است پاسخگوی نیازهای گوناگون افراد جامعه باشد و به همین دلیل، کنار گذاشته شده و یا حضوری ضعیف در زندگی روزانه مردم داشته

◇ اقبال مردم مابه کتاب هیچ گاه، رویکردی پویا و مستمر نبوده است.

است. بنابراین، کسانی که از جانب ملت، منتقل خدمت در این سازمان‌ها می‌شوند، باید با مطالعه زمینه‌های کاری خود، به مناسب‌ترین شکل، خدمت خود را به جامعه ارائه کنند. به عنوان مثال، در زمینه نشر کتاب و سیاستگذاری‌های درست، لازم است بسترهای مناسب ارائه کتاب و شیوه‌های صحیح آن را شناسایی و با در نظر گرفتن همه جوانب و توانمندی‌های موجود، اقدام کنند. احساس و برداشت بنده این است که در سال‌های اخیر، تلاش می‌شود تا از راه‌های گوناگون، نشر کتاب تقویت شود و خوانندگان به سهولت بتوانند به کتاب دسترسی داشته باشند. به سهم خود، از همه کسانی که خالصانه برای ارتقای فرهنگ و دانش کودکان و نوجوانان تلاش می‌کنند، آرزوی موفقیت دارم.

اسکاندیناوی تازه و جذاب به نظر برسد و با اقبال عمومی مواجه شود. البته، عکس آن نیز صادق است؛ کتاب‌های عادی آنها، گاه در این‌جا جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. ریشه این موفقیت‌ها به حس کنجکاوئی ملتها برای شناخت یکدیگر و کشف تجربیات تازه بشری برمی‌گردد.

دیگر اینکه فراموش نشود، در غیاب کتابخانه مطلوب در مدارس و محله، کودک و نوجوان، نقش چندانی در تهیه کتاب برای خود ندارد. این پدرها و مادرها و بزرگترها هستند که تشخیص می‌دهند چه کتاب‌هایی را باید برای کوچکترها انتخاب کنند و بخرند. انتخاب‌های آنها هم، به دلایلی، همیشه نمی‌تواند انتخاب درستی باشد.

۴. دولت مجموعه‌ای است از سازمان‌های متفاوت که فلسفه وجودی آنها، خدمت به جامعه



ادبیات نمایشی کودک شاد و خلاق نیست

◇ چیستا یثربی

چاپ می‌رسد، حاصل آن با ادبیات نمایشی واقعی فاصله زیاد دارد؛ چرا که مهم‌ترین مشخصه‌های ادبیات نمایشی کودکان، یعنی عنصر فانتزی، خیالپردازی و در عین حال آشنایی با توانایی‌ها و ظرفیت‌های ذهنی نوجوانان را فاقد است. گهگاهی برخی متون قدیمی و کلاسیک ادب

تئاتر و ادبیات نمایشی، به دلایلی خاص، همیشه مظلوم‌ترین و در عین حال ناآشناترین هنر این مرز و بوم بوده است و حال وقتی از هنر تئاتر برای کودکان و نوجوانان صحبت می‌شود، این مظلومیت مضاعف جلوه می‌کند. شاید به جرأت بتوان گفت که ما هرگز صاحب ادبیات نمایشی مکتوب برای کودکان نبوده‌ایم و اگر گاهی متن بعضی از نمایش‌های اجرا شده برای کودکان، به